



تزلزل داعش در سوریه و عراق

امین پرتو*

اشاره:

در یک ماه گذشته داعش در زیر حملات همه‌جانبه، بخش عمده‌ای از قلمروی خود را از دست داده و نشانه‌های زوال و نابودی آن آشکار شده است. مناطق تحت کنترل داعش کوچک‌تر شده و به محاصره افتاده است. در حالی که داعش تماس بخش‌های مختلف خود را با یکدیگر و جهان خارج از دست داده است. تلفات انسانی و لجستیک گروه افزایش یافته است. منابع مالی آن به سبب کوچک‌شدن قلمرو و توقف روند کسب غنایم، افزایش هزینه‌ها، توقف فروش نفت و عتیقه به خارج و گاه نابودی خزانه اسکناس‌ها به سبب حملات هوایی کاهش شدیدی را تجربه کرده است. روند جذب پیکارجویان خارجی به سبب اقدامات بین‌المللی به میزان بسیار ناچیزی رسیده است. مردم بومی دیگر جذابیتی در حکومت داعش نمی‌یابند و تمایلی به آن ندارند. با این حال داعش می‌کوشد تا به هر طریق ممکن زنده بودن و قدرت خود را نشان دهد؛ عملیات تروریستی به شکل بمب‌گذاری، حملات نظامی ناگهانی و برق‌آسا و در نهایت جنگ و گریزی که تنها هدفش، حفظ نیروها و ادامه حیات این گروه تکفیری است. با این همه، داعش در مراحل آخر حیات خود قرار دارد. قلمرو گروه در لیبی به طور کامل از میان رفته است؛ در عراق شهرهای مهم را یکی پس از دیگری از دست می‌دهد و در سوریه هم یا به محاصره افتاده یا به عمق مناطق بیابانی پناه می‌برد.

مقدمه

قدرت داعش رو به زوالی جدی افتاده است. اقبال عمومی به آن، چه در سرزمین‌های تحت کنترل و چه در خارج از این سرزمین‌ها به شدت افول کرده است. این گروه تکفیری مناطق تحت کنترل جدیدی به دست نیاورده و البته مناطق وسیعی از سرزمین‌های خلافت خودخوانده آن، از تصرفش خارج شده است. در لیبی، قلمرو داعش به سبب حمله ارتش، از چنگک این گروه خارج شده و آخرین درگیری‌ها در قالب حملات انتحاری در شهر «سرت» به عنوان آخرین پناهگاه داعش نمود

داشته است. در عراق، عملیات ارتش در منطقه الانبار، داعش را از الرطبه، هیت و رمادی به عمق بیابان‌ها راند؛ فلوجه را آزاد کرد و عملیات برای آزادسازی موصل هم هر چند به کندی، اما به تدریج در حال انجام است. در سوریه وضعیت به وخامت عراق نیست اما چالش‌های مشابهی وجود دارد. شهرهای تحت کنترل داعش یا به محاصره می‌افتند یا اینکه ارتباط مناطق تحت کنترل به کلی از میان می‌رود. ترس از شورش مردم محلی بیشتر از عراق است. ارتباط با جهان خارج که زمانی از طریق مرزهای ترکیه مقدور بود، به صورت کامل از میان رفته است. از تجارت نفت، اشیای عتیقه و انسان کاسته شده است. منابع مالی خلافت دچار نقصان جدی است: صرفه‌جویی مالی از طریق کاستن از دست‌مزدها و افزایش دریافت زکات و خراج هم کفاف این نقصان را نمی‌کند. جذابیت حکومت داعش اگر هم زمانی تصور می‌شد که وجود دارد اکنون به طور



کامل از میان رفته است. اعدام‌های جمعی هم در مورد نیروهای خودی که مشکوک به خیانت و تمرد هستند و هم علیه مردم بومی که مظنون به جاسوسی و سرکشی هستند، شدت و گسترش بیشتری یافته است. این گروه تروریستی، گرچه هنوز ذخایر عظیم تسلیحاتی دارد، اما بیشتر از شیوه‌های نظامی مجبور شده است به روش‌های دیگری اتکا کند تا روند شکست خود را به تأخیر بیندازد: استفاده گسترده از سپر انسانی، آن طور که در فلوچه، موصل، رقه و منبج مرتکب شده است؛ توسل به عملیات تروریستی و بمب‌گذاری و در نهایت زدوخوردهایی که در دور از انتظارترین مناطق رخ می‌دهند. عقلانیت نظامی داعش به شدت محل تردید است. داعش به جای پیروزی نظامی واقعی همچنان در جستجوی پیروزی‌های تبلیغاتی است و مناسب‌ترین راه برای آن را عملیات‌های تروریستی برای تبلیغات و نشان دادن قدرت خود می‌داند.

انتحاری در میان گروهی از زائران شیعه که از بغداد عبور می‌کردند، منتهی به کشته‌شدن ۳۸ تن و زخمی‌شدن ۸۶ تن گردید. یک روز بعد، انفجار انتحاری دیگری در سماوه، کشته‌شدن ۳۳ تن و زخمی‌شدن ۷۵ تن را موجب شد. در ۲۲ اردیبهشت، در پی مجموعه حملات انتحاری و حمله مسلحانه در بغداد و حومه آن، ۱۱۰ تن کشته و ۱۶۵ تن زخمی شدند. دو روز بعد، در جریان یک مسابقه فوتبال حملات انفجاری و تیراندازی منتهی به کشته‌شدن ۲۸ تن و زخمی‌شدن ۴۵ تن دیگر گردید. در ۲۶ اردیبهشت، در جریان حمله به یک مجتمع گازی در شهر تاجی، ۱۴ نفر از کارکنان و ۹ نفر از حمله‌کنندگان کشته شدند و ۴۷ تن دیگر زخمی شدند. دو روز پس از آن بمب‌گذاری از طریق خودرو و تیراندازی، منتهی به کشته‌شدن ۱۰۱ نفر و زخمی‌شدن ۱۹۴ نفر در بغداد گردید.

به جز عراق، سوریه هم شاهد انبوهی از عملیات بمب‌گذاری بود که توسط داعش انجام شد: در اوایل خرداد، بمب‌گذاری در دو شهر جبله و طرطوس، مناطق علوی‌نشین سوریه که به بشار اسد وفادار هستند، منتهی به کشته‌شدن ۱۸۴ تن و زخمی‌شدن بیش از ۲۰۰ نفر شد. در ۲۲ خرداد در محله سیده‌زینب در حومه دمشق هم دو انفجار بیش از ۲۰ کشته بر جای گذاشت. داعش علاوه بر مناطق تحت کنترل دولت سوریه، در مناطق تحت کنترل شورشیان و کردها هم دست به عملیات بمب‌گذاری زد. رأس‌العین در حومه حسکه و قمیشلی، حلب و ادلب، شاهد انفجارهایی بود که

داعش به جای پیروزی نظامی واقعی همچنان در جستجوی پیروزی‌های تبلیغاتی است و مناسب‌ترین راه برای آن را عملیات‌های تروریستی برای تبلیغات و نشان دادن قدرت خود می‌داند.

عملیات‌های تروریستی داعش

در ماهی که گذشت حملات متعدد تروریستی به وقوع پیوست که داعش مسئولیت ارتکاب آنها را بر عهده گرفت. بیشترین عملیات‌ها در عراق رخ داد. نخست در ۱۱ اردیبهشت، انفجار



میان نیروهای دولتی اگرچه به کندی پیش رفت اما در نهایت با پیروزی ارتش عراق به پایان رسید. این در حالی بود که آیت‌الله سیستانی از نخست‌وزیر خواست تا برای خودداری از آسیب دیدن غیرنظامیان احتیاط بیشتری اتخاذ کند و از عملیات سریع پرهیز کند. انتشار شایعه‌های متعدد از ارتکاب به شکنجه یا قتل غیرقانونی که به نیروهای حشدالشعبی (بسیج مردمی) عراق نسبت داده شده بود، سبب شد تا این نیروها از عملیات کنار گذاشته شوند. در این میان عشایر اهل سنت در حاشیه فلوجه از دولت عراق قول گرفتند که در پاک‌سازی فلوجه از داعش، نقش محوری را ایفا کنند. همچنین نخست‌وزیر این کشور دستور داد تا یک لشکر زرهی ارتش عراق هم به جای عملیات در فلوجه به جبهه شمالی برای آزادی موصل اعزام شود. همه این مسائل گرچه آزادی فلوجه را کند کرد اما آزادی آن حتمی بود زیرا برای نیروهای داعش در فلوجه هیچ کمکی از بیرون متصور نبود.

اما از فلوجه مهمتر مسئله موصل است. موصل دومین شهر بزرگ عراق پس از بغداد و تنها شهر بزرگی است که همچنان در دست داعش باقی مانده است. موصل از شمال در خطر حمله کردها قرار دارد. با این همه حاشیه غربی آن و شهرهایی مانند بعاج و تل عفر همچنان در کنترل داعش است و مسیری برای امداد رسانی به موصل و اعمال فشار بر کردها محسوب می‌گردد. نیروهای دولت مرکزی هم کوشیده‌اند از جنوب به موصل نزدیک شوند. بخشی از نیروهای دولت مرکزی در شرق شهر محمور، مناطقی را آزاد کرده‌اند اما پیشروی‌شان محدود باقی مانده است. در مناطق جنوبی‌تر، نیروهای دولتی در تردید میان پیشروی به سوی شمال یعنی موصل یا حمله به شهر حویجه و آزادی آن قرار دارند.

رقابت میان دولت مرکزی با حکومت اقلیم کردستان، مسائل داخلی سیاسی عراق، مخالفت‌ها و توقعات اهل سنت، نقش ایران و بالاخره فشارهای آمریکا در تعیین زمان نهایی برای تعیین تکلیف موصل و قلمروهای داعش در شمال عراق نقش اساسی دارد. البته از آنجا که داعش توان حمله را از دست داده، وقوع حوادثی مشابه سقوط غافل‌گیرانه رمادی چندان محتمل نیست. آنچه ممکن است در آینده بیشتر رخ دهد، درگیری‌هایی نظیر آنچه در طوزخور ماتو رخ داده است، خواهد بود. یعنی درگیری نظامی میان نیروهای

داعش علیه کردها و مخالفان اسد انجام داد. عملیات‌های داعش تنها محدود به خاورمیانه نبود. در ماه گذشته در اورلاندوی فلوریدا در ایالات متحده، یک آمریکایی افغان‌تبار که گفته می‌شود پیش از حمله با داعش اعلام بیعت کرده بود، به یک باشگاه شبانه حمله و ۴۹ تن را کشته و ۵۳ تن را زخمی کرد. در رویداد دیگری داعش ترور یک افسر پلیس و همسرش در فرانسه را بر عهده گرفت.

انجام این قبیل عملیات بمب‌گذاری یا حملات تروریستی، هرچند اثربخشی نظامی ندارد اما دست کم نشانی از ادامه حیات داعش را برای هوادارانش نوید می‌دهد. با وجود این، شکست‌های عملی داعش در واقعیت سیاسی و نظامی، حجم مخالفت‌های مردمی در مناطق تحت کنترل آن و نیز مخالفت‌های جدی جریان‌های مذهبی و سیاسی سلفی و جهادی با این گروه که آن را فرقه‌ای متغلب، زورگو و سلطه‌گر می‌دانند، بهره تبلیغاتی از این قبیل عملیات‌ها را ناچیز می‌سازد.

وضعیت داعش در عراق

داعش در عراق، در موقعیتی کاملاً تدافعی قرار دارد. بعد از شکست در رمادی و بقیه نواحی استان الانبار، صرف‌نظر از مناطق مرزی با سوریه (حصیبه و القائم) و چند نقطه در عمق بادیه، تنها فلوجه و شهرک‌های پیرامون آن در کنترل داعش باقی مانده بود که آن‌ها نیز در روند آزادسازی و پاک‌سازی قرار گرفتند. عملیات پاک‌سازی فلوجه به سبب وجود جمعیت غیرنظامی و نیز اختلافات داخلی

حشد الشعبی و دولت مرکزی با نیروهای اقلیم کردستان که در نهایت احتمال دارد میانجی‌گری ایران، آمریکا یا مشایخ محلی مسئله را ساکت کند.

وضعیت داعش در سوریه

داعش در سوریه هم ضربات متعددی متحمل شده است. اگرچه هنوز وخامت وضع آن به وخامت اوضاعش در عراق نیست زیرا دشمنان داعش، مشغول یکدیگر هم هستند و نمی‌توانند با تمام قوا علیه این گروه بجنگند. در مقابل داعش توان آن را دارد تا حد امکان از این تضادها به نفع خود، استفاده کند. بهترین نمونه را می‌توان در شمال حلب مشاهده کرد. حاشیه شمالی حلب که در کنترل ارتش آزاد بود با حملات کردها در معرض سقوط قرار گرفت. داعش نیز موقعیت را مغتنم شمرد و با حملات سنگین، مارع و حتی شهرک اعزاز را در معرض سقوط قرار داد. کردها هم از موقعیت بهره برده و «شیخ عیسی» را هم به تصرف خود درآوردند. اگرچه این جنگ مضحک، یعنی جنگ دو گروه مورد حمایت آمریکا با یکدیگر به نفع داعش بود تا بتواند کار را یکسره کند، اما حملات کردها در جبهه منبج و غرب فرات همه محاسبات داعش را به هم ریخت. کردها در شرایطی به منبج حمله کردند که داعش گمان می‌کرد این حمله در جنوب و با هدف رقه انجام گیرد. اما پس از آنکه ارتش سوریه به سوی رقه حمله کرد، کردها با تغییر مسیر به سوی غرب، از فرات گذشتند و به منبج حمله کردند. ترکیه که پیش‌تر حمله به منبج و جرابلس از سوی کردها را خط قرمز خود اعلام کرده بود با اعلام اینکه در خصوص عملیات کردها از آمریکا تضمین‌های لازم را اخذ کرده است، در برابر این عملیات سکوت پیشه کرد.

البته کردها با نادیده گرفتن تصرف منبج و خودداری از ورود به آن، به سوی شهر الباب پیش می‌روند. آنان هم اکنون به عریمه در شرق شهر الباب رسیده‌اند. بخت آنان برای تصرف الباب، از دو رقیب دیگرشان، ارتش آزاد و نیروهای بشار اسد بیشتر به نظر می‌رسد. در شمال حلب نیروهای ارتش سوریه مشغول نبرد در حندرات هستند در حالی که کوشش‌های چندباره برای پیروزی در این منطقه همچنان با مانع همراه است. در جنوب حلب نیز متحدان اسد، دست به گریبان حملات

جیش‌الفتح هستند. بنابراین احتمال سقوط الباب به دست کردها بیشتر است. مهم‌تر از این عملیات، خط سیر آتی کردها بعد از الباب اهمیت دارد. آنان با پاک‌سازی داعش کوشش برای اتصال به عفرین را آغاز خواهند کرد. اینجاست که نبرد نهایی برای همه آغاز می‌شود: کردها و البته ارتش آزاد و دولت ترکیه که اسد قطعاً به تماشای خواهد نشست. در این میان موضع آمریکا و کشورهای عربی که مشاهده می‌کنند چگونه کردها سرزمین‌های عربی را به تصرف درمی‌آورند، اهمیت اساسی خواهد داشت. یک احتمال بسیار قوی در این رابطه آن است که کردها با خودداری از درگیری با ارتش آزاد و در شرایطی که نسبت به ارتش اسد هم اعلام بی‌طرفی کرده‌اند، سرزمین‌های شمال شرقی حلب را تصرف و بدون نابود کردن باقی‌مانده ارتش آزاد در شمال حلب، عفرین را به سایر مناطق تحت کنترل کردها متصل کنند. این طرح ممکن است موافقت دولت اسد را هم دربرداشته باشد. ادامه این طرح، متصل شدن مناطق تحت کنترل کردها به محله شیخ مقصود در شمال حلب است. با این اقدام حلب به محاصره نیروهای اسد هم در خواهد آمد. با این حال داعش پس از یک عقب‌نشینی سریع به درون منبج، ضدحملاتی علیه کردها صورت داد و در عریما هم به شدت مقاومت کرد. به علاوه عقب‌نشینی ابتدایی در محور اعزاز - مارع هم با ضدحمله‌ای مجدد همراه شد تا ارتش آزاد همچنان در تنگنا باقی‌بماند.



هم وضعیت بهتر نیست. لواء شهدای یرموک پس از شکست‌ها و تلفات سنگین اخیر، ناگزیر از اتحاد با افرادی از دو گروه «جماعه المجاهدین» و «حرکه المثنی» گردید تا گروه جدیدی با نام «جیش خالد بن الولید» را تشکیل دهند. اما این عنوان تازه ثمرات چندانی نداشته است. تنها زمانی که گروه «الویه الفرقان» کوشید عملیات موسوم به «لیبک داریا» را در جنوب غربی دمشق و قنیطره آغاز کند، داعش برای دفع حملات این گروه‌های مؤتلف، مجبور به کاستن از شدت عملیات علیه نیروهای اسد شد.

خواسته مقتدی صدر، تشکیل دولتی پیراسته از فساد، متشکل از افراد غیرسیاسی اما حرفه‌ای و متخصص، محاکمه افراد مرتکب به فساد، لغو سهمیه‌بندی‌های حزبی و طائفه‌ای و حفظ استقلال ملی عراق است

فضای سیاسی عراق و سوریه در میانه جنگ با داعش

در شرایطی که جنگ با داعش با شدت ادامه دارد، تحولات سیاسی هم در عراق و سوریه در جریان است. در عراق، جریان صدر به مخالفت‌های خود با دولت حیدر العبادی ادامه داده است. یورش هواداران او به منطقه سبز بغداد با سرکوب پلیس مواجه شد، اما صدر اعلام کرده است که پس از خاتمه ماه رمضان دوباره اعتراض علیه دولت را از سر خواهد گرفت.

داعش در نواحی دیگر با ارتش سوریه و نیروهای اسد دست به گریبان است. ارتش سوریه حمله به سوی رقه و السخنه را آغاز کرده است. هرچند مسافت زیاد روند اجرای آن را کند خواهد کرد اما داعش در رقه در خطر جدی قرار دارد. ممکن است این حمله با هجمه کردها از شمال یا شورش عشایر عرب محلی همراه شود. ممکن است نیروهای اسد به سوی شمال و شهر مسکنه هم حرکت کنند و بدین ترتیب نیروهای داعش در منبج و شمال شرقی حلب در محاصره‌ای وارد شوند که هیچ راه فراری برایش وجود نداشته باشد. به علاوه ممکن است مسیر نیروهای داعش که در شرق حمص و حما مستقر هستند، هم قطع شود. این شاخه از تکفیری‌ها مدت‌هاست که پیشروی نداشته‌اند و اگر مسیر تدارکات‌رسانی به آنها کاملاً قطع شود، باید تنها منتظر مرگ و نابودی خود باشند. به طور کلی داعش عقلا نیت نظامی چندانی از خود بروز نداده است. در حالی که حمله در جبهه حمص و حما می‌توانست موقعیت بهتری برای این گروه فراهم کند، حملات برق‌آسا و با تلفات سنگین در حاشیه شرقی دمشق صورت گرفت که دائماً با شکست روبه رو شد. از این شکست‌ها مصیب‌بارتر، عملیات در دیرالزور بوده است که تلفات سنگین آن بدون حصول نتیجه چندانی ادامه یافته است.

در جنوب غرب سوریه و در منطقه‌ای که تحت کنترل گروه متحد داعش موسوم به لواء شهدای یرموک قرار داشت

نتیجه‌گیری

داعش علی‌رغم وحشت گسترده‌ای که در ابتدای روی کار آمدن برانگیخته بود و با وجود امکانات مالی، انسانی، نظامی و تبلیغاتی وسیعی که داشت، در لبه پرتگاه زوال و نابودی قرار دارد. امکانات این گروه تکفیری از میان رفته؛ اقبال عمومی به آن کم شده؛ تمرد و فرار و مخالفت علیه آن گسترش یافته؛ سرزمین‌های تحت کنترل آن کوچک‌تر و پراکنده‌تر شده؛ نیروی انسانی و نظامی‌اش مستهلک گشته و اقدامات تروریستی خونبارش هم کارایی تبلیغاتی خود را از دست داده است. اگرچه، این تحولات به معنای نابودی کامل داعش نیست. داعش محصول مداخله خارجی، فروپاشی نظام سیاسی در عراق و شکنندگی حاکمیت در سوریه و عقب‌ماندگی اقتصادی و فکری است که همچنان تداوم دارند. به نظر می‌رسد داعش مزیت‌های اصلی خود را از دست داده است ولی شکست و نابودی کامل آن به زمان و اقدامات منسجم‌تری نیاز دارد.

خواسته مقتدی صدر، تشکیل دولتی پیراسته از فساد، متشکل از افراد غیرسیاسی اما حرفه‌ای و متخصص، محاکمه افراد مرتکب به فساد، لغو سهمیه‌بندی‌های حزبی و طائفه‌ای و حفظ استقلال ملی عراق است. هواداران صدر انتقادات تندی علیه سپاه بدر و جریان‌های عراقی که با ایران روابط دوستانه دارند، وارد می‌کنند. جمعی از هواداران جریان صدر اقدام به بستن دفاتر حزب دعوت اسلامی به رهبری نوری مالکی در شهرهای جنوب عراق کرده و مراکز حزب را در نجف مورد حمله قرار دادند. آنان ادعا می‌کنند که حضور گسترده ایران در عراق استقلال ملی این کشور را خدشه دار کرده است اگرچه کمک‌های ایران را مهم و مطلوب می‌دانند. البته صدر به حضور آمریکا در عراق هم معترض است و عبادی را به سبب آنچه باج‌دادن به آمریکا می‌داند، مورد شماتت قرار می‌دهد. البته این اتفاقات در شرایطی رخ می‌دهد که جریان تحت رهبری صدر نه فقط در دولت حضور دارد، بلکه کنترل چند وزارت‌خانه از جمله مسکن و تجارت را نیز در اختیار گرفته است. در اقلیم کردستان هم شایعات وسیعی در خصوص جان‌شینی مسرور بارزانی فرزند مسعود بارزانی به جای پدرش منتشر شده است. مسئله‌ای که به نظر می‌رسد با موافقت عمومی همراه نخواهد شد و تنش‌های داخلی بسیاری را در این منطقه برخواه‌اندگیخت.

در سوریه روند تحولات سیاسی به سبب توقف گفتگوها میان دولت و معارضان چندان پیش نرفته است. تنها خبر مهم انتخابات پارلمانی در سوریه بوده است. با این حال این شکل از پارلمان همچنان با معیارهای مخالفان حکومت، فاصله دارد و نتوانسته است رضایت آنان را جلب کند. مجلس سوریه مرکب از دو گروه نماینده است: گروه ویژه کارگران و کشاورزان با ۱۲۷ عضو و سایر قشرهای جامعه با ۱۲۳ عضو. «هدیه خلف عباس» یک زن استاد دانشگاه و اهل دیرالزور که عضو ائتلاف وحدت ملی است به ریاست مجلس ملی سوریه برگزیده شد. او در تشکیلات حزب بعث بوده و از منتقدان فساد در درون حزب به شمار می‌رود. نجدت آنزور کارگردان سوری هم سمت نائب رئیسی مجلس سوریه را به دست آورد.

